داستانهای داوطلبانه

الكوهايىبراىديدن



نشریه ابالتیمورسان امقاله ای تکان دهنده و جالب اعنوان اپسری بادیدغیرعادی امنتشر کرده است. . این مقاله در مورد پسر جوانی به نام «کالوین اُستنلی» است که دوچرخه سواری می کند، بیسبال بازی می کند. به مدر سه می رود و تمام کارهای معمول پسر بچههای یازده ساله را انجام می دهد، اما نابیناست! چگونه این پسر بچه می توانست کارهایی را انجام دهد که اگر افراد بسیاری جای او بودند، تسلیم می شدند یازندگی را باغیم و اندوه می گذراندند؟! مادر کالوین در زمینه بازسازی چارچوبهای ذهنی، استاد است. می کنند، در ذهن کالوین به شکل مزیت معنا کرده

. مادر کالوین روزی را بهیاد می آورد که پسرش از او

پرسید، چرانابیناست؟ او توضیح داد: «تونابینا به دنیا آمدهای و کسی گناهی ندارد، پسرش پرسید: «چرا فقط برای مس چنین اتفاقی افتـــاده؟» مادر کالوین رین گفت: «چرایش را نمی دانم، شـاید مصلحتی در این کاربوده عزیزم، سپس پسرش را می نشاندومی گوید: ا کالُویِ تَسُومی بینی. تَسُواز دُست هایتُ به جَای چشمهایت استفاده می کنی؛ و به خاطر داشته باش چسپوسی استخدادی کی ویا ۔ ۔ ر ۔ ۔ . کاری نیست که تو نتوانسی انجام بدھی، روزی کالوین از این که هیچہگاہ نمی تواند چپر ممادرش را ببیندہ بسیار غمگین و ناراحت بودہ اما خانم استنلی ى دانست بايد به تنها فر زندش چه بگويد. به او گفت: می داست باید به نتها فرزندش چه برخوید به او دهت: «کالوین تو می توانی مرا ببینسی، می توانی چهره ام با دست هایت و با گوش کردن به صدایم ببینی تو حتی می توانی بهتر از کسانی که بیناهستنده با ببینی، در مقاله توضیح داده شسده که کالوین با اعتقاد و ایمان به مادرُش، زندگــی پربارش راطی می کند. به خودم می گویم این هم یک الگوی داوطلبی مناسب. یادبگیریم که چگونه دیدن رابیاموزیم بعدیه خودم می گویم یعنی الگوی مناسبی در ایران نداریم که رفتهای وقصه خارجی تعریف می کنی؟ کتاب تحول رائی آموزش و توانیخشی نابینایان، نوشته محمدر ضا امنی را برمی دارم. می خواهم یک الگوی ایرانی

. ـــرزادطیباتی در ســـال ۱۳۴۱ متولدشـ پارگی شبکیه، بینایی خودرااز دست دادواز آن زمان در آموزشگاه شهید محبی با کوشش وصفناپذیری ه ادامه تحصیل پر داخت و در , شــته اقتصاد دیپلم گرفت. فرزاد طیباتسی دوره اپراتوری تلفن را در دوره دبیرستان فراگرفت و پسس از فراغت از تحصیل ...ر بهعنوان اپراتور تلفن به استخدام بانک تجارت در آمد. وی در حدود ۲۰۰ شماره تلفن را که باید به طور مرتب با آنها تماس برقرار می کرد، به خاطر سپردو در کارش سيار منظم ودقيق بودواين امر موجب شدتار ضايت مديران مربوطه راجلب كندو همواره مورد تشويق قرار گیرد فرزاد طیباتی همزمان به یادگیری زبان انگلیسی پرداخت و در سال ۱۳۶۳ به پیشنهادیکی از متخصصان برای درمان به آمریکا سفر کرد.وی اظهار مىدارد كەطى اين سالھابايک آرزوی بزرگ كلنجار می رفتم و آن آرزوی پزشک شــدن بود، آما به ظاهر، نابینایی من امکان رسیدن به این آرزور ااز من گرفته بود. پس از مدت ها تفکر ، سرانجام تصمیم گرفتم که بزُشک شُوم و برای رسیدن به هدفم تلاش زیادی را شروع کردم به همین منظور در کلاسهای نابینایان ثبتنام کردم و دورههای ماشین نویسی و رایانه را گذراندم. در سال ۱۳۶۷ پس از کسب اجازه اقامت در آمریکا، موفق شدم در دانشگاه ثبتنام کنم. دکتر فرزادطّیباتی می افزاید:باعزمی پولادین، تحصیل در دانشگاه را شروع کردم، در ابتدایه دلیل نابینایی به من توصیه شد که واحدهای کمتری بگیر م امامن مصمم

دکتر فرزاد طیباتسی در مورد تشسریح می گوید: ر کرد نخستین بار که در کلاس تشسریح حاضر شدم از جنازهای که در اختیاره گذاشته بودندو حشت داشتم. ا ستادبه من اجازه نداد که از دستکش استفاده کنم و برای آن که تسرس مرااز بین ببرد، سینه جنازه را شکافت و برای این که دست خود رانکشم دست خود روی دستم قرار داد. اوایل کار، هنگامی که از اتاق تشریح خارج می شدم

نمی توانستم چیزی بخورم. کم کم عادت کردم. از استاد خواستم تااجازه دهدمانند بینایان از دستکش استفاده کنم، اما مخالفت کرد و گفت با دستکش می توانی مویرگها را تشخیص دهی. شناسسایی عصبها، سرخرگها، سسیاهرگها و مویرگها را با ابتکار خاصی به انجام رساندم. سرخرگهار ااز صدای خاصی که زیر دستم احساس می کردم تشخیص میدادم و اعصاب را از سـختی آن. در بافتشناسی که مجبــور به دیــدن بافت.هــای مختلــف در زیر میکروسکوپ بودماز آنهایی که قطعهای از یک بافتر آ در زیر میکروسکوپ دیده بودند، می خواستم باخمیر آن را برایم بسازند. برای تشخیص رنگ بافت هااز آنها خواستم رنگ قرمز را برجسته کنند و رنگ سفید را گودوباعلایم قرار دادی که برای خودوضع کرده بودم،

رنگ بافتهار اهم آموختم و مجدداً توانستم بین ۲۰۰۰دانشجوی تشریح شاگر دممتاز شوم. هنگامی که دکتر فرزاد طیباتی در بیسن ۳۰۰دانشجوی پزشکی یکی از دانشگاههای معتبر آمریکابارتبه اول، مدرک تخصصی خود را در رشته ر-- رب بور، سرت معصمی حود را در رشته کاربوپراکتیک دریافت کردونامش در کتاب طلایی سال آمریکا بهعنوان سمبل اراده به ثبت رسید به افرادی که او رامی شناختند درس بزرگی آموخت: «خواستن، توانستن است.»

رنجهاي دلپذيريك سفر گلابگيري



وقتی قصد دارید با یک گروه «خاص» به یک ســفر اردیبههستی خاص بروید و می دانید مقصد شهر سهراب است، ناخودآگاه یاد امعبد و جایگه جشن و

دل أُسایی، توصیفُ ملک الشعرای بهار می افتید. جمعه ۲۵ اردیبهشت، «قمصر» کاشان میزبان گروهی از افراد بــا نیازهای ویژه، دُسترســی ویژُه و احساســات ویژه اســت. هنگامی که یک بــار دیگر - مسست ویزه ست. متحمی به یک بسر دیجر در متن مشــقتهای افــراد دارای معلولیت در یک سُفر قرار گرفتم، زمانهایی که باوجود مشکلات عبورومرور و محدودیتهای جسمی به هم کمک می کردند، وقتی تلاش و بردباری شان را دیدم، هنگامی که شاد می شدند، وقتی جواب کمکهای کوچک رابا پاداشهای بزرگتر می دادند و هنگامی که ر تیریایی شان خوشحال می شدم، تازه می فهمیدم چرا می گویند دوستان خوب و یکرنگ ارزشی بالاتر ا: حان عزيز دارند.

۱۶ نفُراُزافُراددارایمعلولیت،همراهانوهمیاران که جمعا ساکنان «ساحل امید» را تشکیل می دهند، قصددارند به کاشان سفر کنند. من هم که چند مسافرت را بااین گروه تجربه کردنام همراه گروه چیزهایبیشترییادمی گیرم

موسسه ساحل اميد بامشاركت وهمكاري مجتمع رعد، موسســه رعدالغدير، دبيرخانه ستاد حمايت از

فرهنگیواجتماعیشهرداریمنطقه ۲ تهرانُوشبکه میاری،باتیان،سفربودند.

ویلُچرنشــینان|زراه رسیدند.لذانگرانی معمول|ین افراد برای اســتفاده|ز خودروهای نامناسب، برطرف سد. بعمرحال با سارس همدی داخل اتوبوسهاو ونهاشدندوساعت ۲۹۳ حرکت کردیم. توقف کوتاهی در یک رستوران بین راهی در اتوبان قم – کاشان دائستیم. خوشسبختانه آنجا از معدود رستوران هایی است که دارای سرویس های بهداشتی ب اف اد دارای معلولیت است. آنحا . وُبوس دیگری حامل تعداُدی از معلولان به جمع ما اضَافُه شدوبه سفر ادامه داديم.

ربر بازارچه سنتی خیابان ســتارخان ساعت ۷ صبح قبل از فروشندگان، مســافران گلابگیری را به خود دید. تعداد ۱۳ اتوبوس که هیچ کدام مناسب افراد دارای معلولیت طراحی نشسده بودند رأس ساعت آمدند. خوشبختانه ونهای مناسبسازی شسده هم برای ئے۔ بەھرحال با تےلاش ھمیاران، ھمگے داخل

ورودی جُاده کاشُان به ترافیک سنگینی برخور دیم که می توانست به فصل گلابگیری مرتبط باشد. دو ساعت در ترافیک ماندیم. با خودم گفتُم این آخرین ىشكل استُ امانقص فنى يكى أز اتوبوس هاسور پُرايز دیگری بود که از راه رســید اتوبوس قادر به حرکت نبود. به ناچار مسـافران آن اتوبــوس در دو اتوبوس

توبوس، شور و هيجان هم بيشتر شد. ياد اين جماً ۔ ــافرت در یک مسیر سخت می تواند لذت بخش باشد به شــرطی که همسفرهای خوبی

سرانحام ساعت یک بعدا; ظهر به قمصی سیدیم هوای دل انگیز قمصر کالبدانسان را تازه می کرد؛ این شهر در فاصله ۳۰کیلومتری از جنوب کاشان قرار دارد مهر مراسط به میروسری رسید مساور و رسید واز مناطق بیلاقی و خوش آب و هوای اطراف کاشان به حساب می آید. قمصر را مراسم سنتی گلابگیری به شهرت جهانی رسانده است و این مراسم هرسال در

روزهای پایانی اردیبهشتماه برگزارمی شود. بعد از صرف ناهار در باغ محل استقرار، به بازدید از کارگاه گلابگیری رفتیج. شـمیم گلهای محمدی، مشامرانوازشمی داد گلابگیران خوشروومهمان نواز بودند و این لطافت بیشتری به احساسات مسافران می بخشید. عجیب است که زیباتریس گلها و خوشبوترین گلابهای کشور چهار فصل ایران از دل کویری چنین خشـک بیرون می آیند. دوستی می گفت «همیشــه در مواجهه با کمبودهاست که انسان توانمندى ها،استعدادهاو نيروهاي خارق العاده

درون خودراشکوفامی کند.» -باخودفكر كردم چرابايدمعلولان از واژه معلوليت و چيزى كەباعث محدوديت شود ترس داشتە باشند؟

یک نابینا یا فردی روی صندلی چرخدار هم می تواند اســتاد دانشــگاه، مخترع، نماینده مجلس یا حتی

اخبار نیکوکاری

جمع آوریکمکهایمردم براىمسلمانانمظلوميمنتوسط

ۗ مراكزنيكوكاري تبريز بدين كميتنه امتداد امنام

شهرستان تبریز گفت:مراکز نیکو کاری مساجد ۱۴ معصوم پرواز، شادباد و صفای بنیهاشم

نبریز اقدام به حمع آوری کمک های نقدی برای برده مردم مسلمان یمن کردند. محمد یاورزاده افزود: کمکهای جمع آوری

شده در اختیار مردم مظلوم یمن قرار خواهد گرفت. وی در بخش دیگری از سخنان خود

با بیان این کـه خیرین مراکز نیکـوکاری این شهرســـتان ســبد کالا بین نیازمندان توزیع کردنــد، اظهــار داشــت: ارزش ســبد کالای

ر نوزيع شده بين مددجويان نيازمند بالغ بر ۱۳۶۱ميليون ريال است.

ياورزاده خاطرنشان كرد: اين نهاد آماده جمع اُورْی هدایــاٰی نقدی وُ غیرنقدی خیرین

ومردم نیکوکار به نیازمندان شهرستان تبریز مدیر کمیته امداد امام خمینی (ره) تبریز از اهدای چهار سسری جهیزیه توسط خیرین نیکوکار مسجدگازران خیام به نوعروسان تحت

. ـــــــین چه عبر صد. یاورزاده ارزش ریالی جهیزیه اهدایی را بالغ بر ۳۱میلیون ریال اعلام کرد.

فعالیت۳۰مرکزنیکوکاری

دراستانبوشهر

پایان سال گذشته ۳۰ مرکز نیکوکاری در استان بوشهر فعال شده که امید می رود در سال جاری

طُبِق بُرنامه ۵ ساله شاهد افزایش این مراکز در

وی اظهار داشت: در راستای مردمی کردن مکرسانی به اقشار آسیبپذیر و بهمنظور

اماندازی مراکز بیشیخوان امداد در محلات،

رمادری مر عربی است می احد و مدیریت مراکز نیکوکاری با محوریت مساجد و مدیریت اثمه جماعــات و همــکاری معتمدین محلی

بهمنظور جذب و تسریع در کمکرسانی به اقشار کهدرآمد اقدام به تشکیل و راهاندازی

ر ر ر _ ر ر رک ر تلاش مابــر این بوده کــه در مراکز نیکوکاری خدمات و کمکـها صرفا مالی نبوده و خدمات

ختلفی به نیازمندان ارایه شود. وی بااشــاره بــه این که به ازای هــر ۲۰هزار

رص. نفریک مرکز نیکوکاری دایر میشـود، افزود: سـهمیه کل اســتان بوشــهر ۵۵ نیکوکاری تا پایان ســال ۹۶ اســت.احمــد لطفی گفت:

ســـال قبل شاهد رشــد ۲۰ درصدی باشد. وی ادامه داد: کل کمکهای جمع آوری شــده در

این طرح مبلغی بیش از ۲میلیـــارد ریال بوده که در ســر فصلهای کمک به تأمین جهیزیه

نوعروُسان، ساخت مسكن مددجويان، تأمين

ر رر شهریه دانشجویان و جبران بخشی از فرانشیز

ں بیروستی ۔۔۔ ۔ری ر کمکھا باامدادھمکاری و تعامل دارند

جمع آوري555ميليونريال

كمكمردمىدرمر كزنيكوكاري

خرمدره

بر کر نیکوکاری شهرستان خرمدره کسه با حضور جمعی از مسئولان مرکز و هیأت امنا صورت

گرفت، گزارشی از نحوه فعالیت این مرکز ارایه

کرد. وی با اشاره به این که مرکز نیکو کاری خرمدره از سال ۹۲ آغاز به کار کرده است،

گفت: در مدت فعالیت این مرکز ۱۳۶ میلیون و ۱۷۶هــزار ریال کمــک بهصــورت نقدی و

۱۷۷میلیــون و ۶۶۲هزار ریال نیــز بهصورت

نمینیوس و ۱۰ سورو (پین پیتر پستورد) غیرنقدی جمع[وری شده است، مدیر کمیت امداد امام خمینیی(ره) شهرستان خرمدره با بیان این که خدمــات رایگان ارایه شــده در این مرکز بــه ارزش ۲۴۱میلیــون و ۹۵۵هزار

يكوكارى مذكور وهمچنين خدمات ارايه شده

شده از خدمات این مرکز یکهزار و ۲۸۷ نفر بوده است، تصریح کرد: از این تعداد ۹۸۴ نفر مددجو

و ۳۰۳ نفر نیسز غیرمددجو بودهاند. احمدی در ادامه با اشاره به برگزاری ۴۳ جلسه در این مرکز

یکوکاری افرود: کل خیرین مراجعه کننده و

- برگر سرد و برگر ۱۳۵۰ نفر بوده است. وی همچنین با اشاره به فعالیت ۹۰ امدادیار و

یروی افتخــاری افزود: تعــداد حامیان جذب

ت، تصریمح کمرد: درمجموع

ریال بوده است، تصریح کرد کل کمک،های جمع آوری ش

ــل احمــدی در بازدیــد از مرکــز

درمان هزينه شده است. ر لطفی از جذب بیش از ۱۷ هـزار امدادیار در سال گذشته خبر داد و گفت: ایس افراد به عنوان نیروهای افتخاری و مددکاری در

ر کمیته امداد با اجرای طرح همت د نسینه است از جرای طرح مست در جهت رفع مایحتاج خانوادههای تحت پوشش موفق شد تا پایان ســال۹۳ در مقایسه با مدت مشابه

مراکز نیکوکاری کردهاند. لطفی بیان داش

مختلفي

سرپرست كميته امداد بوشهر اظهار داشت: تا

حمایت این نهاد خبر داد.

رئیسجمهوری شود. بگذریم! قمصر از اواسط ار دیبهشت به مدت دو تا سه هفته میزبان مهمانانی هست که برای حضور در مراسم سنتی گلابگیری به این شهر سفر می کنند ین شهر پر از باغهای گل محمدی و جویبار های ز لالی یں کروبرزر است که لطف شهر رابرای کسانی که پس از طی کویر به شهر رسیدهانددوچندان می کند.

حدود ساعت ۶ عصر با دواتوبوس از قمصر به تهران حرکت کردیم و عوارضی کاشـــان اتوبوســـی دیگریجایگرین اتوبوسبازماندهقبلیشد.

دیُده میشد. کنار یکی از دوستان دارای معلولیتم نشستم. نگاهی به سربرگ خبرم انداخت. من در حال پایان دادن به گزارش بااین شعر سهراب بودم... ماگروه عاشقان بودیم و راه ما از کنار قریه های آشنا بافقر بيكرانمىرفت

برفراز آبگیری خودبه خودسرهاهمه خمشد وی صور تھای ما تبخیر مے شدشب وُصَداىُدُوستَميآمدبهُ گوشدوست



مقوله هدف و آرمان از آن دسته موضوعاتی است که اگر در زندگی مالسان هاجای خود را به خوبی باز کند می تواند پدیدا آورنده موضوعاتی در جامعه باشد که به پویایی و تأثیر پذیری مردم از نیکدیگر منجر شود زمانی که افراد در جامعه دارای اندیشه زندگی می کنند هم از نوع اندیشه و عُملکُرد آنها

فُرهنــُگ داُوطلبی هــم به همین شــکل عمل ر سریه مسویی در رفته می این مورد رسید. قطعا فرهنگهایی مانند داوطلبی و کمک به همنوعهم کمرنگ،میشود. از سنویی دیگر فرهنگ داوطلبی راحتی افراد

ست هم می توانند به جا بیاورند و داوطلبانه ت به انجام کارهایسی بزنند تا بـه اطرافیان و

و هدف باشند قطعا سایر افرادی که در اطرافشان

داوطلبي رااز خانه هايمان آغاز كنيم

کامران فانی نویسنده و مترجم

همنوعانشان كمك كنند عمومافر هنگ داوطل را می تــوان این گونه تعریف کرد: اگــر فردی بدون داشتن چشمداشت برای فرد دیگری – که در بعضی اوقات حتی او را نمی شناســد-قدمی بر دارد و به گونه ای فکــر کند که حتی به دنبال رســاندن ر. سبودی اندک به دیگری باشد، آن شخص حرکتی ناوطلبانه انجام داده است.

اما گاهی افرادی هستند که با خیالات و ذهنیات باطل در این راُه قدم برمی دارند و نســبتُ به رفتار داوطلبانه دچـــار توهمات خاص خود میشـــوند. مستند افرادی که با انجام کار خیر قصد رسیدن به شهرت و موقعیتهای خاص را دارند، که این به ۱۰۰۰ در ۱۰۰۰ ... رفتارها گاهی باعث خدشــه وارد کردن به فرهنگ داوطلبي در هر جامعهاي مي شُود.

ت که حتی در شرایط امروز ایران با وجُود مشکلات و سدهایی که سر راهشان قرار دارد، باز هم مردّمُ ما فرهنگ خیرخُواُهــی و داوطُلَبی را سرلوحه کار خودشــان قرار دادهاند به عنوان نمونه کمکهایی که مردم ما در سراسر کشور به صورت داوطلبانه به اقشار دیگر می کنند. در بیشتر موارد زمانی که اســم فرهنگ داوطلبی به میان میآید، ، مُردم فکر می کنندُباید کمکی خیر خواهانه به قُدی باشد. اما مسالهای که وجود دارد این است گاهی می توانید با دادن یک خُطُ فُکری ، یک آیده مناُسب به فردی یک حرکت داوطلبی را ... هدایت کنید و به خوبی آن را به ثمر بنشــانید. اما اگر این اهداف با آرمان های روزمره ماانسان هاشکل

۔ رس برداشتن کوچکترین قدمهامی توانیم یک داوطلب نمامعیار باشسیم. گاهی ما انسانها، متوجه معانی درست فرهنگها و کلمات نمی شویم و گاهی در ین راه دچار اشــتباهات زیادی می شویم. اگر قرار ت که من کامران فانی یک داوطلب تمامعیار باشم پس چه بهتر اُست این داوطلبی را اول از همه در خانوادهام و در بستر زندگی خودم پیاده کنم تا درُ جامعهای که نمی دانم تا چه حد به رفتارهای داوُطلبانه من اهمیت می دهد.



می کُنــد؛ افرادُی کــه دارای هدف هس هی صحه افزاهی که دارای معنف مستخده باشک پیشرفت دیگران می شوند، حمتی پیشرفت کسانی که نمی شناستند، اما شرایط هر جامعه نیز همواره در ایجاد فرهنگهای مختلف تاثیر گذار هستند برای مثال در جامعه ای که فقر بیداد کُند و مردم از شرایط مطلوبی در زندگی شان برخوردار نباشند

روز سوم به گمرک خرمشهر رفتیم. راوی از روز فتح خرمشهر و زمانی که عراقی ها گلهای اسیر نیروهای ما شدُند، گُفُتُ. گمر ک فعُال بود. خودروهای مدل بالای وارداتى جلب توجه مى كرد.

مُنطُقُه توجیه بــوُد؛ چون خــودش همینجا ترکش خورده بود. احمدی با دست به طرف آبها اشاره کرد و گفُت: ادر همین حوالی بود که قایقی که من هدایتش

بود آقای نجیمی که خودش یکی از رزمندگان عملیا، . كربلاي۴بودبرايمان توضيحادكه چگونه بچههاي ما در زمستان سال ۱۹۵۸ این نومیجاد که چگوندپچهای ما در زمستان سال ۱۹۵۸ این نومید کرداند و چگوند در آن طرف به پر توسط دشمس قالورقدع شدهاند او گفت که مدافقان یاستون پنجوروز وحتی ساعت آغاز عملیات کریلای ۶ را بده شمن کاراش ۱۹۸۸ همیبین ما روی یکی از قایفرانش عملیات کریلای ۴ همیبین ما روی پایگی از قایفرانش عملیات کریلای ۴ همیبین ما روی

می کردم از حرکت ایستاد. هرچه استارت زدم، روشن نشــدُ. وقَتَى مُوتور قَايق را بالاَ أور دم ديُدم پُروانهُ قَايقَ در شكم يكى از غواص هاى شهيد خودمان گير كرده

----وقتی یکی از راویان دفاع مقدس (آقای احمدیان) شـروع کرد به صحبت کردن، همه زائران تحت تأثیر قـرار گرفتند.خیلی از آنها و مخصوصاً دانشــجویان دختر گريهمي كردند

سر برید به موره خرمشهر رفتیج، مسئول موزه گفت که بعداز اشغال خرمشهر اینجاستاد جنگ یکی از لشکرهای عراق بوده است، عراقی ها روی دیوار موزه

نوشته بودند: اجئنالنقبي ايعني أمده ايم تابمانا چون اُسانسور خراب بودما نتوانستيم به طبقه دوم پرن مستور عرب بوده عرصتهایه سبت. و سوم موزه برویم. پیشنهاد می کنم هر کدام از شما فرمشهر رفتید، برنامهریزی کنید، حتما این موزه را

براى نماز جماعت مغرب وعشأ به مسجد جامع رمسهر رسیم. بامردم خرمشهر دیدار کردیم. حاج آقاماندگاری که در برنامه سمت خدا صحبت مي كندهم أن جا بود واز

بچُه هادلجويي کرد. صبح روز سه شنبه به طرف اهواز حرکت کردیم. به ت روز عواجشهدای هواز رفتیم در آنجا یکی از دوســتان مجــازی ام دکتر پیمان

. ده در قالب طرح هُــای اکرام، م شفا نیز ۵۶نفر بوده است. مدیر کمیته امداد امامخمینی(ره) شهرستان خرمدره با اشاره به برخی فعالیتهای انجام شده در مرکز ی. یه یی ر دوستان مجازی ام دکتر پیمان حسیبی را ملاقات کردم و به طرف اصفهان حرکت کردیم . نیکوکاری چهاردهمعصوم(ع) خرمدره اطُهار کرد: ایجاد شبکه نیکوکاری فرهنگیان و بسیجیان در دستور کار این مرکز است.

رمضانعلى كاووس راهیاننور،کاروانجانبازان



وارناتی جانب،توجه،ی کرد. از پل نوبهطرف شلمچه حرکت کردیچ، کمی کهجلو رفتیم، سسمت چپمان تابلوی نهر خین دیده میشد از صحبح کوچکی که در حال تعمیر بود گذشتیم و به پاسگاه خودمان رسیدیم،برای رفتن روی دژ که شیب تندی داشت چند نفر با هم ویلچرهایمان را بالای دژ بردند. در وهله اول چشهمان به پاسگاه عراقی ها خورد. این نهر جزیره بوارین عراق را از شلمچه ایران جدا کرده